



رضاییان: من حسرتی دارم که مربوط به مهمان‌های کتاب‌باز است و آن این که دوست داشتم حاج قاسم سلیمانی مهمان برنامه کتاب‌باز باشند. بعد شهادت‌شان این حسرت خیلی زیادتر شد چون هر وقت که عکسی از ایشان در طول پرواز و... منتشر می‌شد کتاب شاخصی در دست‌شان بود.

فایده‌ها

ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۱۰ اسفند ۹۸ • شماره ۷۰۲

رو در رو

خاطره با مزه محمدرضا رضاییان از تاریخچه رابطه‌اش با سروش صحت

از سروش متنفر بودم!

نگرفت. این حس من زمانی شکست که در جلسه‌ای که با آقای دکتر احسانی نشستیم و صحبت کردیم جمع‌بندی براین شد که سروش صحت مجری ما شود. خدا گذاشت در کاسه‌ام! در واقع هرجایی در زندگی ادعای بزرگی کردم یا حرف عجیب غریبی زدم خدا در زندگی من گذاشت. این جا اعتراف می‌کنم که در رسانه دو استاد بزرگ دارم یکی وحید یامین‌پور است یکی سروش صحت است. اینقدر خدا به من لطف کرد که باید از این آدم یاد بگیرم ولی آدمی که از او متنفر بودم الان تبدیل به عزیزترین آدم زندگی من تبدیل شده که فارغ از فضای کار اینقدر به او علاقه دارم که مسائل شخصی خودم را از سروش مشورت می‌گیرم.

آدمی که دورترین فرد به من بوده الان نزدیک‌ترین آدم من است و با همه وجود دوستش دارم. خیلی اتفاق باحالی است و این باعث شد نگاه من خیلی بازر تر شود. وقتی که قرار شد سروش صحت مجری کتاب‌باز شود من با خودم می‌جنگیدم که تو فایز چیست کتاب فضایش گفت‌وگو است این شعارها را می‌دهی اما خودت دور ایستادی برو با خودت بجنگ من بدون این که با خودم بجنگم یادگرفتم با آدم‌ها بدون گارد و بدون کلیشه‌های ذهنی باید مواجه شد، از هر نحله، طرز فکر و عقیده، ممکن است که مسلمان هم نباشد و در دورترین نقطه ایستاده باشد، اما این الزامات باید همه افکار نیست. یادگرفتم با کلیشه‌های ذهنی با هرچیزی مواجه نشوم. بزرگترین چیزی که کتاب‌باز برای من داشته این بود که کتاب خواندن اهل مطالعه بودن اشتباهات بزرگی را برای آدم رو می‌کند.

رضاییان: کتاب‌باز برنامه شبکه نسیم است و کسی باید اجرای کتاب‌باز را به عهده می‌گرفت که هم نشاط و سرگرمی داشته باشد هم آگاهی و دانش و مطالعه. شبکه نسیم کسی را می‌خواست که با نشاط و سرگرمی بین مردم شهره شود و سروش به وسیله برنامه‌های سرگرمی و سریال‌هایی که کار کرده بود چهره‌اش شناخته شده بود. جا دارد اینجا از دکتر کلانی و دکتر اسلامی یاد کنم که در فصل اول وقتی قرار بود کتاب‌باز شکل بگیرد نظرات خاصی داشتند. مثل آقای دکتر کلانی می‌گفت که من فضای جذاب و پرمخاطب را ایجاد کردم تا دورچین برنامه کتابی باشد.

حالا در کنار همه تعریف‌هایی که از سروش انجام دادم و همه‌اش عین حقیقت بود این را هم ذکر کنم که من قبل از سروش صحت متنفر بودم. امکان نداشت سروش صحت در فیلمی باشد من شبکه را عوض نکنم یا فیلمی ببینم و نروم در اتاقی دیگر. واقعا ازش متنفر بودم! در ذهنم يك آدمی بود که ادای روشنفکر را در می‌آورد. البته من هم جوان بودم و نمی‌دانم که چرا این حس را به سروش داشتم.

صحت: پس برای همین دیر دعوت‌م کردی کتاب‌باز؟

رضاییان: (با خنده) واقعا بله! اصلا رغبتی نداشتم! حتی در پشت صحنه هم نمی‌خواستم با هم صحبت کنیم. واقعا من از هیچکس بدم نمی‌آمد به جز تو. دلیلش را هم نمی‌دانم. شاید چون من خانواده سنتی دارم که در موارد مختلف ما را با گارد بزرگ کرده بودند و سروش صحت در واقع نماد همه گاردهای من بود. ولی بدون شناخت گارد داشتم. پشت صحنه کتاب‌باز از دور دیدم آدم بدی هم نیست. در حد سلام علیک و عکس هم حرف زدیم اما من را تحویل



ان الان چه می‌خوانید؟

صحت: آخرین کتابی که خواندم «همه دروغ می‌گویند» نوشته ست استیونز و دیوید ویتس با ترجمه ریحانه عبدی بود، کتابی بسیار خوب و خواندنی.

ت تعامل شما با مهمان‌های برنامه‌تان چگونه است؟

صحت: با اکثر قریب به اتفاق مهمان‌هایمان در مورد عقاید سیاسی، اجتماعی و... شباهت نداریم اما در مورد موضوع مورد علاقه صحبت می‌کنیم و آن در مورد کتاب حرف زدن و کتاب خواندن است که نقطه اشتراك همه ما است. وقتی با آقای کاکاوند در مورد ادبیات فارسی، شعر و نثر صحبت می‌کنید یا با دکتر شکوری درباره روان‌شناسی و سبک زندگی صحبت می‌کنید یا خانم مصطفی‌زاده در مورد ادبیات کودک یا آقای فراسی در مورد فرم صحبت می‌کند موضوعی است که برای همه ما دلنشین و دل‌انگیز است.

اتفاق ویژه فصل چهارم کتاب کودک و پرداخت پرونده‌ای به موضوعاتی مثل کلاسیک خوانی، بینوایان و... بود که اولی جایش خیلی در تلویزیون خالی است، این دو چطور شکل گرفت؟

رضاییان: دو سال است که بچه‌دار شدم و واقعیت این است که خود جهان مطالعه در من تاثیر می‌گذارد. ما نباید يك سوپیه و با يك تفکر و جریان وارد جهان کتاب شویم. باید جهان‌شمول‌تر باشیم که بحث بازه‌های مختلف سنی هم از این جنس است. در فصل‌های يك تا سه مخاطبان زیاد گفتند که کاش

ما آمدند مخاطب هم می‌دید که اینها چه دانش وسیعی دارند و چقدر کتابخوان هستند. در کنار اینها مهمان‌هایی داشتیم از طیف‌های مختلف مثل آقایان یامین‌پور و ده‌نمکی که بیننده زوایای دیگری از اینها را دید. حالا من اسم هرکسی را بگویم با ترس و لرزو دلهره می‌گویم چون خیلی‌ها را یادم می‌رود.

آنهاهی که شدنی است و زنده هستند و در ایران هستند.
صحت: دوست دارم بدانم که نویسندگان، فیلسوفان و چهره‌های سیاسی مثلا وزیر ارشد چه می‌خوانند؟ یا مثلا کاش می‌شد آقای رئیس‌جمهور و رئیس‌مجلس مهمان ما بودند یا حتی خود آقای دکتر علی‌عسکری مهمان ما بودند. این که مدیران ما چه می‌خوانند، فرهیختگان چه می‌خوانند برای ما مهم است. یا دوست دارم که علی‌پروین و علی‌دایی حرف بزنند و بگویند آیا ورزشکاران باید بخوانند یا نباید بخوانند.

در این مهمان‌ها، چهره‌های سیاسی، مشکل این است که نمی‌آیند، دعوت نمی‌شوند یا محدودیت از جای دیگر است؟
صحت: فکر می‌کنم کتابخوان نیستند!

و ایده‌های دیگر که فکر می‌کنیم.

چه کسی را دوست داشتید دعوت کنید و نشده؟

رضاییان: من حسرتی که دارم این است که دوست داشتم حاج قاسم سلیمانی مهمان برنامه کتاب‌باز باشند. بعد شهادت‌شان این حسرت خیلی زیادتر شد چون هر وقت که عکسی از ایشان در طول پرواز و... منتشر می‌شد کتاب شاخصی در دست‌شان بود.
صحت: سعدی را خیلی دلم می‌خواست بیاید، حافظ، مولوی و عطار را خیلی دلم می‌خواست! خیلی دلم می‌خواست کامو مهمان ما باشد. البته در کنارش می‌خواهم بگویم که از مهمان‌هایی که به برنامه ما می‌آیند خیلی خیلی متشکرم و دلم می‌خواهد تلویزیون به ما اجازه بدهد مهمان‌های خیلی بیشتری بیاوریم. ما در برنامه‌های خیلی موفق مان سه دسته آدم بودند که خیلی از نظر مخاطب جذاب بودند. یکی آدم‌های خیلی ناشناخته ولی در کار خودشان صاحب تفکر. گروه دیگر آدم‌هایی مثل رامین حیدری یا حسن معجونی که در برنامه‌های زیادی معمولا شرکت نمی‌کنند و ما خیلی مفتخر بودیم که به برنامه

کتاب کودک معرفی کنید و واقعیت این بود که ضرورتش را حس نمی‌کردیم و جایش را در برنامه ممکن نمی‌دیدیم. ولی الان به قاطع می‌گویم کتاب‌باز را برای نسل دخترم می‌سازم. الان می‌گویم که اگر بخواهیم فرهنگ‌سازی عمیق کنیم جایش رده سنی کودک است.

صحت: اضافه شدن خانم مصطفی‌زاده دقیقا از روی بازخوردها است. در مورد پرونده هم این گونه است. مخاطبان، سیاست‌گذاران اصلی برنامه هستند و حرف‌شان تاثیر مستقیم دارد. اینها مدام می‌گفتند ای کاش کتابی می‌گذاشتید وسط و حرف می‌زدید.

برای فصل بعد چه برنامه‌ای دارید؟

رضاییان: برای فصل بعد یکی از مسائلی که خیلی برای ما پررنگ است حضور خود مخاطب در برنامه ما است، یعنی دنبال این هستیم که از جنس دوره‌می‌هایی که گفتیم و نمونه را نشان دادیم نمونه‌های دیگر را جمع کنیم و اینها را در برنامه بیاوریم و مخاطبان وفادار برنامه و کتابخوان را. شأن برنامه ایجاب می‌کند حضورشان در برنامه باشد و فضای تعاملی ایجاد شود

آگهی مزایده

آموزشگاه علمی تخصصی شهید چمران ناجا در نظر دارد، تعدادی از اماکن خدماتی خود را از قبیل خیاطی، عکاسی و زمین کشاورزی در قالب اجاره واگذار نماید.

متقاضیان محترم می‌توانند برای دریافت اسناد مزایده به آدرس زیر مراجعه نمایند.
آدرس: کرج، جاده قزلحصار، روبروی زندان قزلحصار، آموزشگاه شهید چمران
● خیاط زاده ۰۹۱۹۳۷۰۳۲۷۵
● رئیس‌وندی ۰۹۱۶۶۶۷۹۵۳۸

سند و وکالت‌نامه تفویض سند خودرو سواری پیکان تیپ ۱۶۰۰، مدل ۱۳۸۱، به رنگ سفید - روغنی، به شماره انتظامی ۹۹۵ ۹۵۲-ایران ۴۵، شماره موتور 11128127596 و شماره شاسی 81426332 به نام لیلا جواری نژاد مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی ام وی ام ۵۳۰، مدل ۹۳، رنگ مشکی، به شماره انتظامی ۸۷۷ ل ۲۳-ایران ۴۶، شماره موتور MVN484FFFE025056 و شماره شاسی NATGCAVFXE1026381 به نام سمیه زننده دل گیلوندانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شناسنامه خودرو (برگ سبز)، مدل ۹۶، رنگ خاکستری، به شماره انتظامی ۸۹۳ ه ۱۳-ایران ۵۶، شماره موتور 181B0048888 و شماره شاسی NAAN11FE7HH056048 به نام ناصر قلی احمدی پلنگ سرانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی پراید سایپا ۱۴۱، مدل ۸۵، به شماره انتظامی ۹۲۸ ق ۱۷-ایران ۵۶، شماره موتور 154834 و شماره شاسی S1482285159064 به نام اصغر خلیل زاده سارمه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

یک جلد قرارداد متغوله دار به شماره ۳۵۰۳ به تاریخ ۱۳۸۷/۸/۲۶ به نام وجیه الله شهماری متعلق به شرکت‌های صنعتی استان گیلان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.